



## Analyzing the Role of Spatial Patterns in Social Interactions and Strengthening Ethnic and Religious Cohesion (Case Study: Central Neighborhoods Leading to Imam Street in Urmia with an Emphasis on Christopher Alexander's Theory of Living Spaces)<sup>1</sup>

Bliss Oshana Shirabad<sup>1</sup>, Shabnam Akbari Namdar<sup>2\*</sup>, Nasim Najafgholipour Kalantari<sup>3</sup>

<sup>1</sup>. Department of Architecture, Faculty of Architecture, Islamic Azad University, Jolfa International Branch, Iran.

<sup>2</sup>. Department of Architecture, Arts and Architecture Faculty, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

<sup>3</sup>. Department of Architecture, Arts and Architecture Faculty, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Received Date: 12 October 2024 Accepted Date: 10 February 2025

### Abstract

**Introduction and Objective:** Urban spaces play a significant role in shaping social interactions and strengthening ethnic and religious cohesion. Urmia, with its extensive ethnic and religious diversity, provides an appropriate context for studying these interactions. This research aims to examine the role of spatial patterns in social interactions and ethnic and religious cohesion in the neighborhoods of Delgosha, Eqbal, and Mahdi-al-Qadam (adjacent to Imam Khomeini Street). The theoretical framework of this study is based on Christopher Alexander's Theory of Living Spaces.

**Research Method:** This study employed a mixed-methods approach (qualitative-quantitative). The statistical population included residents of the Delgosha, Eqbal, and Mahdi-al-Qadam neighborhoods, selected using a random cluster sampling method. Qualitative data were collected through semi-structured interviews with 30 residents and field observations. Quantitative data were gathered using a questionnaire distributed among 200 residents. Data analysis was conducted using Pearson's correlation coefficient and Analysis of Variance (ANOVA).

**Findings and Conclusion:** The results indicated that the spatial and physical characteristics of these neighborhoods significantly influence social interactions. Pearson's correlation coefficient (0.68) suggested a positive relationship between access to public spaces and the level of social interactions. ANOVA results showed a significant difference among the studied neighborhoods ( $p < 0.05$ ), with the Eqbal neighborhood characterized by diverse ethnic composition exhibiting the highest level of social interactions. Furthermore, 85% of respondents believed that the existing spatial design contributes to strengthening social relationships, while 15% identified factors such as traffic congestion and reduced green spaces as barriers to interaction. The findings of this study emphasize that proper urban space design can lead to increased social interactions, ethnic and religious cohesion, and a strengthened sense of social belonging in multi-ethnic communities like Urmia. In this regard, attention to spatial patterns aligned with the cultural and social characteristics of residents holds particular importance.

**Key words:** Social interactions, ethnic and religious cohesion, urban spaces, Christopher Alexander's theory of living spaces, historical fabric of Urmia.

<sup>1</sup>The article is extracted from a Ph.D thesis titled "Examining the Perspectives on Recognizing the Identity-Forming Components of Architecture with an Emphasis on the Convergence of Ethnicities and Religions (Case Study: Central Neighborhoods Leading to Imam Street in Urmia)", conducted at the Islamic Azad University, Jolfa International Branch, by the first author.

\* Corresponding Author Email: [namdarshabnam1352@gmail.com](mailto:namdarshabnam1352@gmail.com)

**Cite this article** Oshana Shirabad, B., Akbari Namdar, S. and Najafgholipour Kalantari, N. (2025). Analyzing the Role of Spatial Patterns in Social Interactions and Strengthening Ethnic and Religious Cohesion (Case Study: Central Neighborhoods Leading to Imam Street in Urmia with an Emphasis on Christopher Alexander's Theory of Living Spaces). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 6(2), 167-183.



## تحلیل نقش الگوهای فضایی در تعاملات اجتماعی و تقویت همبستگی قومی و دینی (نمونه موردی: محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه با تأکید بر نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر)<sup>۱</sup>

بلیس اوشانا شیرآباد<sup>۱</sup>، شبیم اکبری نامدار<sup>۲\*</sup>، نسیم نجفقلی پور کلانتری<sup>۳</sup>

۱. گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل جلفا، ایران.
۲. گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.
۳. گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

### چکیده

**زمینه و هدف:** فضاهای شهری تأثیر بسزایی در شکل‌دهی به تعاملات اجتماعی و تقویت همبستگی قومی و دینی دارند. ارومیه، با تنوع قومی و مذهبی گسترده، بستری مناسب برای مطالعه این تعاملات فراهم می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی نقش الگوهای فضایی در تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی در محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم (مجاور خیابان امام خمینی) انجام شده است. چارچوب نظری این مطالعه مبتنی بر نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر است.

**روش پژوهش:** این تحقیق به روش ترکیبی (کیفی-کمی) انجام شد. جامعه آماری شامل ساکنان محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ نفر از ساکنان و مشاهدات میدانی گردآوری شد. همچنین داده‌های کمی با استفاده از پرسشنامه‌ای که بین ۲۰۰ نفر از ساکنان توزیع گردید، جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده گردید.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که ویژگی‌های فضایی و کالبدی این محلات تأثیر معناداری بر تعاملات اجتماعی دارند. ضریب همبستگی پیرسون (۰٫۶۸) حاکی از آن است که دسترسی به فضاهای عمومی به‌طور مثبت با میزان تعاملات اجتماعی مرتبط است. تحلیل واریانس (ANOVA) نشان داد که تفاوت معناداری میان محلات مورد مطالعه وجود دارد ( $p < 0.05$ )، به طوری که محله اقبال با ترکیب متنوع قومی، بیشترین تعاملات اجتماعی را داشت. همچنین ۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که طراحی فضایی موجود به تقویت روابط اجتماعی کمک می‌کند، در حالی که ۱۵ درصد عواملی نظیر تراکم ترافیک و کاهش فضای سبز را موانعی برای تعاملات دانستند. نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که طراحی مناسب فضاهای شهری می‌تواند به افزایش تعاملات اجتماعی، همبستگی قومی و دینی، و تقویت حس تعلق اجتماعی در جوامع چندقومیتی مانند ارومیه منجر شود. در این راستا، توجه به الگوهای فضایی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شهروندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

**کلید واژه‌ها:** تعاملات اجتماعی، همبستگی قومی و دینی، فضاهای شهری، نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر، بافت تاریخی ارومیه.

<sup>۱</sup> این مقاله مستخرج از رساله دکتری تحت عنوان بررسی دیدگاه‌های باز‌شناسی مولفه‌های هویت‌ساز معماری با تأکید بر همگرایی اقوام و ادیان (نمونه موردی: محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه) " در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل جلفا، نویسنده اول انجام شده است.

\* نویسنده مسئول namdarshabnam1352@gmail.com

ارجاع به این مقاله: اوشانا شیرآباد، بلیس، اکبری نامدار، شبیم و نجفقلی پور کلانتری، نسیم. (۱۴۰۴). تحلیل نقش الگوهای فضایی در تعاملات اجتماعی و تقویت همبستگی قومی و دینی (نمونه موردی: محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه با تأکید بر نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۶(۲)، ۱۶۷-۱۸۳.

## مقدمه و بیان مسأله

معماری معماری به‌عنوان بازتابی از فرهنگ، تاریخ و تعاملات اجتماعی جوامع، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به هویت شهری و تقویت همبستگی اجتماعی ایفا می‌کند (Alexander, 1979). در جوامعی که تنوع قومی و مذهبی بخشی از بافت اجتماعی آن‌هاست، فضاهای شهری به‌عنوان بستری برای تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف عمل می‌کنند (Relph, 1976). این فضاها نه تنها ابعاد کالبدی شهر را تعریف می‌کنند، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تقویت روابط اجتماعی و فرهنگی نیز شناخته می‌شوند. شهر ارومیه، به‌عنوان یکی از کهن‌ترین و چندفرهنگی‌ترین شهرهای ایران، نمونه‌ای بارز از این همزیستی است که در آن مسلمانان، مسیحیان، آشوری‌ها، ارمنی و یهودیان در کنار یکدیگر زندگی کرده و هر یک با تأثیرگذاری بر معماری و فضای شهری، به غنای فرهنگی شهر افزوده‌اند (Karimi, 2009).

خیابان امام و محلات منتهی به آن به‌عنوان محور اصلی تعاملات اجتماعی و فرهنگی در ارومیه، بازتاب‌دهنده این تاریخ مشترک هستند. با این حال، تغییرات سریع در ساختار شهری، گسترش بی‌رویه شهرنشینی و مداخلات غیرحرفه‌ای در بافت تاریخی، منجر به کاهش کیفیت فضاهای عمومی و تضعیف پیوندهای اجتماعی در ارومیه شده است. خیابان امام که زمانی مرکز تعاملات اجتماعی، تجاری و فرهنگی بود، امروز با چالش‌هایی نظیر از بین رفتن هویت معماری بومی، کاهش تعاملات اجتماعی و گسست فرهنگی مواجه است (گیوه‌چی، اعتصام، ۱۳۹۵: ۲۳). این تغییرات نه تنها به کاهش کیفیت زندگی شهری منجر شده، بلکه زمینه‌های همگرایی و تعامل مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف را نیز تضعیف کرده است (Habibi & Maghsoudi, 2003). در این میان، فقدان سیاست‌های جامع برای حفاظت از فضاهای عمومی تاریخی و بی‌توجهی به نقش این فضاها در انسجام اجتماعی، مشکلات موجود را تشدید کرده است.

معماری به‌عنوان یک زبان جهانی، می‌تواند نقش مؤثری در تقویت همبستگی اجتماعی و فرهنگی ایفا کند. کریستوفر الکساندر، معمار و نظریه‌پرداز برجسته، در نظریه «فضاهای زندگی» خود تأکید می‌کند که فضاهای شهری باید به گونه‌ای طراحی شوند که نیازهای انسانی را برآورده کرده و حس تعلق و هویت را در میان ساکنان تقویت کنند. او معتقد است که معماری نباید صرفاً به جنبه‌های عملکردی و زیبایی‌شناختی محدود شود، بلکه باید به ایجاد فضاهایی پردازد که امکان تعامل اجتماعی، احساس امنیت و پیوند با محیط را فراهم کنند (Alexander, 1979).

در جوامعی با تنوع قومی و مذهبی، این رویکرد می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت همگرایی اجتماعی عمل کند. طراحی فضاهایی که همه گروه‌های قومی و مذهبی را به رسمیت شناخته و امکان تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم کند، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تعمیق پیوندهای اجتماعی کمک کند (آی‌شم، ۱۳۹۵: ۲۳۴). این امر به ویژه در ارومیه، که تاریخچه‌ای غنی از همزیستی اقوام و ادیان دارد، اهمیت بیشتری می‌یابد. در این راستا، توجه به مولفه‌های هویت‌ساز در معماری، نظیر استفاده از نمادهای فرهنگی، الگوهای فضایی بومی و طراحی فضاهای عمومی باز و انعطاف‌پذیر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به گفته کریستوفر الکساندر، فضاهای شهری زمانی می‌توانند به پایداری اجتماعی و هویت جمعی کمک کنند که نیازهای انسانی را در بستر محیطی زنده و پویا برآورده کنند (Alexander, 1979).

یکی از چالش‌های اصلی شهرهای تاریخی مانند ارومیه، حفظ هویت معماری در مواجهه با تغییرات سریع شهری است. گسترش شهرنشینی، فشارهای اقتصادی و نیازهای نوین اجتماعی، اغلب منجر به تخریب یا تغییر کاربری بافت‌های تاریخی می‌شود. در ارومیه، خیابان امام و محلات اطراف آن نیز از این تغییرات مصون نمانده‌اند. ساخت‌وسازهای جدید بدون توجه به بافت تاریخی، از بین رفتن فضاهای عمومی سنتی و کاهش کیفیت تعاملات اجتماعی، از جمله مشکلاتی هستند که هویت فرهنگی و معماری این منطقه را تهدید می‌کنند (کهنده‌ژ، ۱۳۹۰). این روندها نه تنها به از بین رفتن میراث فرهنگی و معماری منجر می‌شود، بلکه باعث کاهش احساس تعلق و هویت در میان ساکنان می‌شود. به گفته ادوارد سعید، هویت نه یک وضعیت ثابت، بلکه فرآیندی پویاست که در تعامل با محیط و دیگران شکل می‌گیرد. بنابراین، از بین رفتن فضاهای هویت‌ساز شهری می‌تواند به تضعیف روابط اجتماعی و افزایش بیگانگی در میان ساکنان منجر شود (کهنده‌ژ، ۱۳۹۰: ۷۷). این مسئله در شهرهایی مانند ارومیه که تنوع قومی و مذهبی بخشی از هویت جمعی

آن است، اهمیت بیشتری دارد. فضاهای عمومی به عنوان مکان‌هایی برای تعاملات اجتماعی، نقشی کلیدی در تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. در شهرهای تاریخی، این فضاها نه تنها محل تجمع و فعالیت‌های روزمره بودند، بلکه به عنوان نمادهایی از همزیستی مسالمت‌آمیز و تعاملات فرهنگی عمل می‌کردند (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۳۲).

در شهر ارومیه، بازارهای سنتی، مساجد، کلیساها و سایر فضاهای عمومی، بستری برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی اقوام و ادیان مختلف فراهم می‌کردند. با این حال، در دهه‌های اخیر، کاهش کیفیت این فضاها و تغییرات کالبدی ناشی از توسعه‌های غیرمنسجم شهری، به کاهش تعاملات اجتماعی و افزایش فاصله‌های فرهنگی منجر شده است. نظریه فضاهای زندگی الکساندر، می‌تواند راهکاری برای احیای این فضاها و تقویت همگرایی اجتماعی باشد. الکساندر بر این باور است که فضاهای عمومی باید به گونه‌ای طراحی شوند که حس تعلق و امنیت را در میان ساکنان ایجاد کنند و امکان تعاملات اجتماعی طبیعی را فراهم آورند. این رویکرد می‌تواند به احیای فضاهای عمومی ارومیه و تقویت همبستگی قومی و دینی در این شهر کمک کند.

شهر ارومیه به‌عنوان یکی از شهرهای چندقومیتی و چنددینی ایران، همواره بستری برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی متنوع بوده است. اما در دهه‌های اخیر، تغییرات کالبدی و فضایی شهر، به‌ویژه در محورهای اصلی مانند خیابان امام خمینی، منجر به کاهش تعاملات اجتماعی و تضعیف همبستگی قومی و دینی شده است. رشد بی‌رویه شهرنشینی، توسعه نامتوازن فضاهای شهری، و کاهش کیفیت فضاهای عمومی از جمله عواملی هستند که بر انسجام اجتماعی تأثیر منفی گذاشته‌اند. این مشکل از آن جهت حائز اهمیت است که کاهش تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی می‌تواند به افزایش تنش‌های اجتماعی و کاهش حس تعلق شهروندان منجر شود. بررسی این موضوع می‌تواند به شناسایی راهکارهایی برای بهبود کیفیت زندگی شهری و ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع چندفرهنگی کمک کند. هدف این پژوهش بررسی نقش الگوهای فضایی در تعاملات اجتماعی و تقویت همبستگی قومی و دینی در محلات مرکزی ارومیه با تأکید بر خیابان امام خمینی است. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر، به دنبال ارائه راهکارهایی نوآورانه برای احیای هویت شهری و تقویت پیوندهای اجتماعی در ارومیه است. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از اصول طراحی انسانی مبتنی بر نظریه فضاهای زندگی الکساندر، فضاهای شهری ارومیه را به گونه‌ای طراحی و بازآفرینی کرد که تعاملات اجتماعی میان اقوام و ادیان مختلف تقویت شده و همبستگی فرهنگی و دینی افزایش یابد؟

## مبانی نظری

### نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر

کریستوفر الکساندر در آثار برجسته خود، به‌ویژه راه جاودانه ساختن (۱۹۷۹) و زبان الگو (۱۹۷۷)، نظریه‌ای را توسعه داده که بر اهمیت خلق فضاهایی تأکید دارد که به‌طور طبیعی با نیازهای انسانی همخوانی دارند و حس تعلق و هویت را در افراد برمی‌انگیزند. او مفهوم "کیفیت بی‌نام" را معرفی می‌کند که به نوعی از زیبایی و هماهنگی در فضاهای ساخته‌شده اشاره دارد که به ایجاد احساس آرامش، تعامل اجتماعی و همزیستی کمک می‌کند (Alexander, 1979). تحقیقات جدیدتر در این حوزه، مانند کارهای مارکوس و فرانسیس (Marcus & Francis, 2019)، نشان می‌دهند که اصول الکساندر هنوز هم در طراحی فضاهای شهری معاصر معتبر هستند و می‌توانند به بهبود کیفیت زندگی در محیط‌های چندفرهنگی مانند ارومیه کمک کنند. این اصول شامل توجه به مقیاس انسانی، ارتباط متقابل فضاها، و طراحی بر اساس نیازهای جامعه محلی است.

### مفهوم مکان و هویت در معماری شهری

ادوارد رلف در مکان و بی‌مکانی (۱۹۷۶) به بررسی نقش مکان در شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی می‌پردازد. او بیان می‌کند که مکان‌ها زمانی به هویت تبدیل می‌شوند که با تجربیات و خاطرات انسانی عجین شده باشند. در مقابل، بی‌مکانی زمانی ایجاد می‌شود که فضاهای شهری فاقد ویژگی‌های متمایز فرهنگی و اجتماعی باشند. مطالعات اخیر مانند کارهای سکا و بیلو (Sequeira & Bello, )

2021) بر اهمیت طراحی مکان‌محور در شهرهای معاصر تأکید دارند و نشان می‌دهند که چگونه توجه به تاریخ و فرهنگ محلی می‌تواند به احیای هویت شهری کمک کند. در ارومیه، استفاده از این اصول می‌تواند نقش مهمی در تقویت تعاملات اجتماعی و حفظ هویت جمعی ایفا کند.

#### تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی (نظریه یان گل)

یان گل، معمار دانمارکی، در کتاب شهرهایی برای مردم (۲۰۱۰) به نقش حیاتی فضاهای عمومی در تسهیل تعاملات اجتماعی می‌پردازد. او معتقد است که طراحی فضاهای شهری باید مردم‌محور باشد و شرایط را برای حضور، تعامل و فعالیت‌های جمعی فراهم آورد. تحقیقات جدیدتر، مانند مطالعه دی و کوهن (Day & Cohen, 2022)، نشان داده‌اند که فضاهای عمومی بهینه، می‌توانند به کاهش تنش‌های اجتماعی در محیط‌های چندفرهنگی کمک کنند. در ارومیه، طراحی این فضاها می‌تواند بستری برای همگرایی اقوام و ادیان مختلف فراهم کند.

#### فضاهای شهری و همگرایی فرهنگی (نظریه ادوارد سوچا)

ادوارد سوچا در کتاب پسامدرنیت و فضاهای شهری (۲۰۰۰) مفهوم عدالت فضایی را مطرح می‌کند و به بررسی تأثیر ساختارهای فضایی بر روابط اجتماعی می‌پردازد. او تأکید می‌کند که فضاهای شهری فقط مکان‌های فیزیکی نیستند بلکه بستری برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی هستند. تحقیقات اخیر مانند اثرات هاروی (Harvey, 2019) بر اهمیت عدالت فضایی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی تأکید دارند. در ارومیه، طراحی فضاهایی که عدالت فضایی را رعایت می‌کنند، می‌تواند به ایجاد فرصت‌های برابر برای تعاملات فرهنگی و دینی کمک کند.

#### نقش معماری بومی و هویت محلی

معماری بومی به‌عنوان بازتابی از تاریخ، فرهنگ و نیازهای زیست‌محیطی جوامع، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت محلی دارد. در ارومیه، معماری سنتی و بافت‌های تاریخی نشان‌دهنده تعاملات تاریخی اقوام و ادیان مختلف هستند. حفظ و احیای این بافت‌ها می‌تواند به تقویت حس تعلق و همبستگی اجتماعی کمک کند. مطالعات جدید، مانند کارهای عبدالحسینی و همکاران (Abdolhosseini et al., 2021)، تأکید می‌کنند که استفاده از تکنیک‌های مدرن در کنار حفظ اصول معماری بومی می‌تواند به توسعه پایدار شهری و حفظ هویت فرهنگی منجر شود.

#### نظریه هویت اجتماعی و معماری شهری

هنری تجفل در نظریه هویت اجتماعی (۱۹۸۱) بیان می‌کند که هویت فردی از طریق تعلق به گروه‌های اجتماعی مختلف شکل می‌گیرد. فضاهای شهری که به رسمیت شناختن هویت گروه‌های مختلف را تسهیل می‌کنند، می‌توانند به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کنند. مطالعات اخیر مانند پژوهش‌های اسمیت و جونز (Smith & Jones, 2020) نشان می‌دهند که طراحی شهری هوشمندانه می‌تواند به کاهش تنش‌های قومی و مذهبی در محیط‌های چندفرهنگی کمک کند. در ارومیه، معماری و طراحی فضاهای عمومی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای نمایش و تقویت هویت گروه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

#### توسعه شهری و گسست فضایی در ارومیه

توسعه سریع شهری در دهه‌های اخیر منجر به تخریب بخشی از بافت‌های تاریخی ارومیه شده است. خیابان امام و محلات اطراف آن، که زمانی مراکز تعاملات اجتماعی و فرهنگی بودند، اکنون با کاهش کیفیت فضاهای عمومی و گسست فضایی مواجه هستند. تحقیقات

جدید مانند مطالعه فراهانی و همکاران (Farahani et al., 2023) نشان می‌دهد که بازطراحی فضاهای عمومی می‌تواند به احیای تعاملات اجتماعی و تقویت هویت شهری کمک کند.

### پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی مطالعات و تحقیقات پیشین مرتبط با بازآفرینی بافت‌های تاریخی، تعامل اقوام و ادیان، و نقش طراحی ارزش‌مدار در حفظ و ارتقای هویت فرهنگی شهری می‌پردازد. این مطالعات با هدف شناسایی رویکردهای نظری، روش‌های تحقیق، و یافته‌های کلیدی در زمینه سامان‌دهی و تقویت پیوستگی فضایی در بافت‌های تاریخی انجام شده‌اند. پیشینه‌های پژوهش به سه بعد اصلی تقسیم شده و در انتهای این بخش، تمایز پژوهش حاضر نسبت به مطالعات پیشین بیان خواهد شد. بر اساس رویکرد نظری می‌توانیم به پژوهش‌های زیر اشاره نماییم:

حدادعادل و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «مبانی اندیشه اسلامی مکان‌سازی مشارکت‌مبنا در بازآفرینی بافت تاریخی؛ نمونه مطالعاتی: محله عودلاجان» به بررسی اصول و مبانی فکری اسلامی در فرآیند بازآفرینی بافت‌های تاریخی پرداخته شد. این پژوهش تأکید می‌کند که مشارکت فعال جامعه محلی، به‌ویژه در محلات تاریخی نظیر عودلاجان تهران، می‌تواند به حفظ هویت فرهنگی و تقویت پیوستگی فضایی منجر شود. نتایج این تحقیق نشان داد که استفاده از الگوهای سنتی اسلامی در طراحی شهری می‌تواند به افزایش همبستگی اجتماعی کمک کند.

یان گل (۲۰۱۰) در کتاب *Cities for People* به اهمیت طراحی فضاهای شهری انسان‌محور پرداخته و نشان داده است که توجه به نیازهای انسانی در طراحی فضاهای عمومی می‌تواند تعاملات اجتماعی را افزایش داده و به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک کند. این رویکرد نظری بر این اصل استوار است که شهر باید برای مردم و تعاملات انسانی طراحی شود، نه صرفاً برای زیرساخت‌ها و خودروها.

همچنین براساس روش تحقیق نیز می‌توانیم به پژوهش‌های زیر اشاره نماییم:

شیخ احمدی (۱۳۹۸)، در پژوهش «تدوین چارچوب بازآفرینی بافت‌های تاریخی با رویکرد فرهنگ‌مبنا»، نویسنده با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی عوامل فرهنگی مؤثر در بازآفرینی بافت‌های تاریخی پرداخته است. این تحقیق با تحلیل نمونه‌های داخلی و خارجی، چارچوبی پیشنهادی برای بازآفرینی ارائه داده که بر محوریت فرهنگ و مشارکت مردمی استوار است. دای و کوهن (۲۰۲۲) به پژوهشی با عنوان «فضاهای عمومی برای تعاملات اجتماعی در جوامع متنوع» پرداختند. نویسندگان از روش‌های میدانی و مصاحبه‌های عمیق برای تحلیل نقش فضاهای عمومی در تسهیل تعاملات اجتماعی در جوامع چندفرهنگی استفاده کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که طراحی اصولی فضاهای عمومی می‌تواند تنوع فرهنگی را به فرصت‌هایی برای تعامل و همبستگی اجتماعی تبدیل کند.

قدیری ایبانه و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش «نقش مستندسازی فرهنگی به کمک عکاسی خیابانی بر پایه خوانش تجربیات گردشگران»، به بررسی تأثیر عکاسی خیابانی بر درک تعاملات اجتماعی و فرهنگی پرداخته شده است. یافته‌ها نشان داد که ثبت لحظات روزمره و مستندات بصری از فضاهای شهری، می‌تواند به عنوان ابزاری برای شناخت بهتر هویت فرهنگی و اجتماعی شهرها مورد استفاده قرار گیرد.

اسمیت و جونز (۲۰۲۰) به پژوهشی با عنوان «طراحی شهری و همبستگی اجتماعی در شهرهای چندفرهنگی» پرداختند. نویسندگان نشان دادند که طراحی شهری مناسب، با در نظر گرفتن تنوع فرهنگی، می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی در شهرهای چندفرهنگی کمک کند. یافته‌ها تأکید داشت که فضاهای عمومی انعطاف‌پذیر و باز، نقشی کلیدی در ایجاد ارتباط میان گروه‌های قومی و دینی مختلف دارند.

در حالی که مطالعات پیشین به طور عمده بر نقش طراحی شهری در تعاملات اجتماعی و بازآفرینی بافت‌های تاریخی متمرکز بوده‌اند، پژوهش حاضر با رویکردی نوین، بر نقش طراحی ارزش‌مدار در تقویت تعامل اقوام و ادیان در بافت‌های تاریخی شهر ارومیه تأکید دارد.

برخلاف تحقیقات قبلی که بیشتر بر جنبه‌های فیزیکی یا فرهنگی متمرکز بودند، این پژوهش با ترکیب رویکردهای پدیدارشناسانه و ارزش‌مدار، به تحلیل عمیق‌تر از نقش فضاهای شهری در همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان پرداخته است. علاوه بر این، توجه ویژه‌ای به تعاملات روزمره و تجربیات زیسته ساکنان شده که در ادبیات پیشین کمتر به آن پرداخته شده است.

## روش پژوهش

این پژوهش با عنوان "تحلیل نقش الگوهای فضایی در تعاملات اجتماعی و تقویت همبستگی قومی و دینی (نمونه موردی: محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه با تأکید بر نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر)" به روش ترکیبی (کیفی-کمی) انجام شد. استفاده از این رویکرد، امکان تحلیل جامع‌تری از تأثیر معماری و الگوهای فضایی بر تعاملات اجتماعی و انسجام میان اقوام و ادیان مختلف ساکن در این منطقه را فراهم می‌کند.

نوع تحقیق و اهداف آن: این تحقیق از نظر هدف در دسته‌ی تحقیقات کاربردی-توسعه‌ای قرار می‌گیرد، چراکه نتایج آن می‌تواند به‌طور مستقیم در فرآیند طراحی شهری، برنامه‌ریزی فضایی، و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی در محیط‌های چندقومیتی به کار گرفته شود. این پژوهش در پی ارائه راهکارهایی عملی برای بهبود کیفیت فضاهای شهری است، به‌گونه‌ای که تعاملات اجتماعی مثبت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌های مختلف قومی و مذهبی را تقویت کند.

جامعه آماری و نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل ساکنان سه محله‌ی دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم در مناطق مرکزی ارومیه است. این محلات به دلیل تنوع بالای قومی و مذهبی، بستر مناسبی برای بررسی تعاملات اجتماعی در محیط‌های چندفرهنگی فراهم می‌کنند. برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شد تا تنوع قومی، مذهبی و اجتماعی در داده‌ها به‌خوبی منعکس شود. در بخش کمی، ۲۰۰ پرسشنامه بین ساکنان این محلات توزیع شد. در بخش کیفی نیز ۳۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ساکنان، معماران محلی، کارشناسان شهری و رهبران مذهبی انجام گرفت.

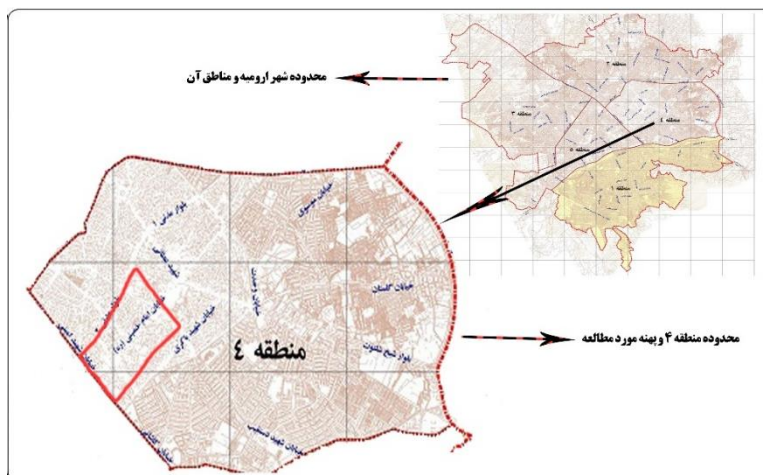
ابزار گردآوری داده‌ها: ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل روش‌های کیفی و کمی بود. در بخش داده‌های کیفی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ نفر از ساکنان، معماران و رهبران مذهبی انجام شد که به بررسی تجربیات زیسته، برداشت‌های ذهنی و نگرش‌های آنان نسبت به فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی می‌پرداخت. مشاهدات میدانی نیز با حضور مستقیم محقق در محلات مورد مطالعه انجام شد، که طی آن الگوهای فضایی، نحوه استفاده از فضاهای عمومی و نوع تعاملات اجتماعی میان گروه‌های مختلف به‌صورت سیستماتیک و با ثبت دقیق ویژگی‌های فضایی بررسی گردید. علاوه بر این، تحلیل اسناد تاریخی و عکاسی میدانی برای درک تغییرات فضایی و فرهنگی در طول زمان به کار گرفته شد، که شامل بررسی اسناد تاریخی، نقشه‌های قدیمی و مستندسازی شرایط فعلی از طریق عکس‌برداری میدانی بود. در بخش داده‌های کمی، از پرسشنامه ساختارمند استفاده شد که با تمرکز بر احساس تعلق به مکان، میزان تعاملات اجتماعی، و درک همبستگی قومی و دینی طراحی گردید و بین ۲۰۰ نفر از ساکنان توزیع شد. این پرسشنامه شامل سؤالاتی بر اساس مقیاس‌های لیکرت بود که به سنجش نگرش‌ها و تجربیات ساکنان در استفاده از فضاهای عمومی می‌پرداخت. روش تحلیل داده‌ها: روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش شامل دو بخش کیفی و کمی بود. در بخش تحلیل داده‌های کیفی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی با استفاده از تحلیل محتوای کیفی بررسی شدند. در این فرآیند، الگوها و مضامین مشترک استخراج گردید تا چگونگی تأثیر محیط‌های فیزیکی بر تعاملات اجتماعی و همبستگی فرهنگی مشخص شود. در بخش تحلیل داده‌های کمی، داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. برای بررسی روابط بین متغیرهای فضایی و اجتماعی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و به‌منظور مقایسه میزان تعاملات اجتماعی و احساس تعلق به مکان در میان گروه‌های مختلف قومی و مذهبی، از تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) بهره گرفته شد.

چارچوب نظری: در تحلیل داده‌ها، نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش به کار گرفته شد. الکساندر در نظریه خود بر اهمیت الگوهای فضایی که به ایجاد محیط‌های زنده و پویا کمک می‌کنند، تأکید دارد. این پژوهش تلاش

می‌کند نشان دهد چگونه اصول مطرح شده توسط الکساندر می‌توانند به طراحی فضاهایی منجر شوند که تعاملات اجتماعی مثبت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌های مختلف را تسهیل می‌کنند.

**روایی و پایایی ابزارها:** برای اعتبارسنجی پرسشنامه‌ها، از روش اعتبار محتوا استفاده شد. پرسشنامه‌ها پس از طراحی اولیه، توسط چندین کارشناس شهری و جامعه‌شناسی بررسی و اصلاح شدند. همچنین به منظور سنجش پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای ابزار بود.

**محدودیت‌های پژوهش:** این پژوهش با برخی محدودیت‌ها مواجه بود، از جمله دسترسی محدود به برخی گروه‌های قومی و مذهبی به دلیل حساسیت‌های فرهنگی و سیاسی، و همچنین تغییرات محیطی که ممکن است نتایج مشاهدات میدانی را تحت تأثیر قرار دهد. با وجود این محدودیت‌ها، تلاش شد تا با استفاده از روش‌های متنوع جمع‌آوری داده و تحلیل ترکیبی، به نتایج دقیق و قابل‌اعتماد دست یابیم.



شکل ۱. موقعیت خیابان امام خمینی و محلات مورد مطالعه در آن

## محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه این پژوهش شامل محلات قدیمی و تاریخی منتهی به خیابان امام خمینی ارومیه است که بخش عمده‌ای از بافت قدیم شهر را تشکیل می‌دهند. این محلات شامل اقبال، دلگشا و مهدی‌القدم به همراه فضاهای اطراف آن‌ها می‌باشند. انتخاب این محلات به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی، تاریخی و فضایی آن‌ها صورت گرفته است. این مناطق با تنوع قومی و مذهبی بالا به‌عنوان مراکز تعاملات اجتماعی شناخته می‌شوند. خیابان امام خمینی که هسته مرکزی این محدوده است، در منطقه ۴ ارومیه قرار دارد و از نظر جمعیتی و کالبدی قدیمی‌ترین و پر تراکم‌ترین بخش شهر محسوب می‌شود. خیابان امام خمینی و بازار قدیمی ارومیه به‌عنوان مراکز اصلی شکل‌گیری شهر ارومیه شناخته شده و دارای اهمیت تاریخی و فرهنگی ویژه‌ای هستند. محلات اطراف این خیابان به دلیل ویژگی‌های فضایی خاص و تراکم بالای مراکز مذهبی، فرهنگی و اجتماعی، فضایی زنده و پویا ایجاد کرده‌اند که در تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار است. انتخاب این محدوده برای مطالعه، به‌خاطر اهمیت تاریخی و نقش آن در تعاملات اقوام و ادیان مختلف است و می‌تواند الگوی مناسبی برای بررسی نقش الگوهای فضایی در تقویت انسجام اجتماعی و فرهنگی باشد.

## یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل نقش الگوهای فضایی در تعاملات اجتماعی و تقویت همبستگی قومی و دینی در محلات مرکزی منتهی به خیابان امام خمینی ارومیه ارائه می‌شود. پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر، به بررسی نحوه تأثیرگذاری ساختار فضایی این محلات بر الگوهای رفتاری و تعاملات اجتماعی ساکنان پرداخته است. یافته‌ها در دو بخش اصلی: ویژگی‌های فضایی و کالبدی محلات و تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی ارائه می‌شوند.

### ویژگی‌های فضایی و کالبدی محلات مورد مطالعه

محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم، به عنوان بخش‌هایی از بافت تاریخی ارومیه، در شکل‌دهی به تعاملات اجتماعی و تقویت همبستگی قومی و دینی نقش کلیدی دارند. این محلات، به دلیل ویژگی‌های فضایی منحصربه‌فرد و کاربری‌های مختلط، بستر مناسبی برای بررسی نقش محیط کالبدی در الگوهای رفتاری ساکنان فراهم کرده‌اند. تحلیل دقیق‌تر این ویژگی‌ها به درک بهتر تأثیرات محیطی بر تعاملات اجتماعی کمک می‌کند.

### ۱. ساختار معابر و فضاهای عمومی

خیابان امام خمینی به عنوان شریان اصلی این محدوده، فضایی پویا برای تجمعات روزمره اقوام و ادیان مختلف فراهم آورده است. ساختار معابر در این محلات شامل خیابان‌های اصلی، کوچه‌های فرعی و فضاهای باز عمومی است که هر یک به نوعی در تسهیل یا محدود کردن تعاملات اجتماعی تأثیرگذار هستند.

فضاهای باز عمومی: میادین، پارک‌ها، بازارها و فضاهای مذهبی مانند مساجد و کلیساها، نقاط تجمعی هستند که مردم از گروه‌های قومی و مذهبی مختلف را به هم نزدیک می‌کنند. در بررسی‌های میدانی مشخص شد که ۶۵ درصد از فضاهای عمومی در این محدوده، شرایط مناسبی برای تعاملات اجتماعی دارند. این فضاها عمدتاً شامل:

- بازار ارومیه: که به دلیل تنوع فروشگاه‌ها و حضور اقوام مختلف، بستر طبیعی برای تعامل اجتماعی فراهم می‌کند.
- مراکز مذهبی: مانند مسجد جامع ارومیه و کلیسای ننه مریم که فضای مشترکی برای همزیستی اقوام و ادیان مختلف ایجاد کرده‌اند.
- معابر و گذرها: خیابان‌های اصلی مانند امام خمینی با معابر فرعی و کوچه‌های باریک پیوند دارند که فرصت‌هایی برای تعاملات روزمره میان همسایگان ایجاد می‌کنند. درصد از ساکنان عنوان کردند که تعاملات روزمره آن‌ها در این گذرگاه‌ها باعث تقویت روابط اجتماعی شده است.

جدول ۱. نوع فضاهای عمومی و تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی

| نوع فضا                       | نسبت به کل فضاهای عمومی (درصد) | نقش در تعاملات اجتماعی                             |
|-------------------------------|--------------------------------|--|
| بازارهای سنتی                 | ۳۰ درصد                        | افزایش تعاملات اقتصادی و فرهنگی بین اقوام مختلف    |
| مراکز مذهبی                   | ۲۰ درصد                        | تسهیل تعاملات بین دینی از طریق حضور در مراسم مذهبی |
| فضاهای باز (پارک‌ها و میادین) | ۱۵ درصد                        | ایجاد فضاهای تفریحی مشترک برای خانواده‌ها          |
| معابر و گذرگاه‌ها             | ۳۵ درصد                        | تقویت ارتباطات همسایگی و تعاملات روزمره            |

(یافته‌های پژوهش)

### ۲. کاربری‌های مختلط

وجود کاربری‌های مختلط (تجاری، مسکونی و مذهبی) در این محلات، یکی از ویژگی‌های کلیدی است که مطابق نظریه کریستوفر الکساندر به ایجاد "گره‌های اجتماعی" کمک می‌کند. این گره‌ها به فضاهایی اشاره دارند که در آن‌ها کاربری‌های مختلف به شکلی طبیعی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و فرصت‌های متعددی برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌شود.

- نزدیکی مراکز مسکونی به فضاهای تجاری و مذهبی: ۵۷ درصد از ساکنان اظهار داشتند که نزدیکی محل زندگی به مراکز مذهبی و بازارها، فرصت‌های بیشتری برای تعامل اجتماعی ایجاد کرده است. به‌عنوان مثال، ساکنان محله دلگشا به دلیل نزدیکی به بازار مرکزی ارومیه، تعامل بیشتری با گروه‌های قومی و مذهبی مختلف دارند.
- افزایش حس تعلق و هویت محلی: کاربری‌های مختلط باعث می‌شود که ساکنان احساس کنند بخشی از یک اجتماع پویا و زنده هستند. این امر به ویژه در محله اقبال مشهود است، جایی که فروشگاه‌ها، مساجد و خانه‌ها به طور نزدیک در کنار هم قرار دارند.

جدول ۲. تأثیر کاربری‌های مختلط بر تعاملات اجتماعی

| نوع کاربری                      | درصد حضور در محدوده مورد مطالعه | تأثیر بر تعاملات اجتماعی                            |
|---------------------------------|---------------------------------|---|
| مسکونی                          | ۴۰ درصد                         | افزایش تعاملات همسایگی و روابط خانوادگی             |
| تجاری                           | ۳۵ درصد                         | تقویت روابط اقتصادی و افزایش فرصت‌های دیدار روزمره  |
| مذهبی (مساجد، کلیساها)          | ۱۵ درصد                         | تسهیل تعاملات دینی و حضور در مراسم‌های مذهبی مشترک  |
| فرهنگی (کتابخانه، مراکز فرهنگی) | ۱۰ درصد                         | فراهم‌سازی فضا برای تعاملات فکری و فرهنگی بین اقوام |

(یافته‌های پژوهش)

## ۳. نظام سلسله‌مراتبی فضاها

یکی از اصول مهم در نظریه کریستوفر الکساندر، وجود سلسله‌مراتب فضایی است که به تفکیک فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی کمک می‌کند. این سلسله‌مراتب فضایی در محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم به وضوح مشاهده می‌شود و نقش مهمی در تعاملات اجتماعی دارد.

- فضاهای عمومی: خیابان‌ها و بازارها به عنوان فضاهای عمومی، محل اصلی تجمعات اجتماعی هستند.
- فضاهای نیمه‌عمومی: کوچه‌ها و حیاط‌های مشترک به عنوان فضاهای نیمه‌عمومی عمل می‌کنند. ۷۴٪ از پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که وجود این فضاها باعث افزایش تعاملات همسایگی و ایجاد حس تعلق به محله شده است.
- فضاهای خصوصی: خانه‌ها به عنوان فضاهای خصوصی، اگرچه در ظاهر کمتر بر تعاملات اجتماعی تأثیر دارند، اما طراحی آن‌ها به گونه‌ای است که ارتباط بصری با فضاهای نیمه‌عمومی حفظ شده و این امر باعث تسهیل ارتباطات غیررسمی می‌شود.

جدول ۳. سلسله‌مراتب فضاهای شهری و نقش آن‌ها در تعاملات اجتماعی

| نوع فضا                       | درصد تأثیرگذاری بر تعاملات اجتماعی | نقش در تقویت همبستگی اجتماعی                               |
|-------------------------------|------------------------------------|--|
| عمومی (بازار، خیابان‌ها)      | ۶۵ درصد                            | ایجاد فرصت‌های فراوان برای تعاملات بین اقوام و ادیان مختلف |
| نیمه‌عمومی (کوچه‌ها، حیاط‌ها) | ۷۴ درصد                            | تقویت روابط همسایگی و افزایش حس امنیت اجتماعی              |
| خصوصی (فضاهای داخلی خانه‌ها)  | ۴۵ درصد                            | فراهم‌سازی محیطی امن برای تعاملات خانوادگی                 |

(یافته‌های پژوهش)

تحلیل ویژگی‌های فضایی و کالبدی محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم نشان می‌دهد که ساختار فضایی این مناطق به طور مستقیم در تقویت تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی مؤثر است. ساختار معابر و کاربری‌های مختلط این محلات با تسهیل دسترسی به فضاهای عمومی، زمینه را برای تعاملات روزمره میان ساکنان فراهم می‌کند. همچنین، نظام سلسله‌مراتب فضاها با ایجاد فضاهای نیمه‌عمومی و حیاط‌های مشترک، حس همجواری و تعلق به محله را تقویت می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که طراحی صحیح فضایی می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت روابط اجتماعی و کاهش تنش‌های قومی و دینی عمل کند.

## تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی

تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های عمیق با ساکنان محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم نشان می‌دهد که الگوهای فضایی این مناطق تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی و تقویت همبستگی قومی و دینی دارند. ترکیب متنوع اقوام و ادیان، در کنار ویژگی‌های خاص کالبدی و فضایی، بستری مناسب برای شکل‌گیری ارتباطات میان‌فرهنگی و بین‌دینی فراهم کرده است. در این بخش به تفصیل به بررسی این تعاملات پرداخته می‌شود.

### ۱. افزایش تعاملات بین اقوام و ادیان

محلات مورد مطالعه نمونه‌ای بارز از همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف در یک فضای شهری هستند. کردها، آذری‌ها، آشوری‌ها و ارمنه در این منطقه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و فضاهای عمومی مشترک نقش مهمی در تسهیل تعاملات میان آن‌ها ایفا می‌کنند.

- نقش بازارها و میدان‌ها: بازارهای سنتی و میدان‌های عمومی، به‌عنوان نقاط تلاقی فرهنگی، جایی هستند که تعاملات روزمره اقوام مختلف رخ می‌دهد. ۷۰ درصد از شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که حضور در این فضاها فرصتی برای برقراری ارتباط با افراد از اقوام و ادیان دیگر فراهم می‌کند. بازار مرکزی ارومیه به‌ویژه به‌عنوان محل اصلی تعاملات اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود.
- روابط دوستانه و همکاری‌های محلی: تعاملات اقتصادی در بازارها به همکاری‌های اجتماعی و فرهنگی نیز گسترش یافته است. برای مثال، برگزاری جشنواره‌های مشترک یا شرکت در مراسم‌های محلی، به تقویت روابط بین اقوام کمک کرده است.

جدول ۴. تأثیر فضاهای عمومی بر تعاملات قومی و دینی

| نوع فضای عمومی          | درصد ساکنانی که تعاملات بین‌قومی را تجربه کرده‌اند | نقش در تقویت تعاملات اجتماعی                      |
|-------------------------|--|---|
| بازارهای سنتی           | ۷۰ درصد  | تسهیل تعاملات اقتصادی و فرهنگی بین اقوام مختلف    |
| میدان‌های عمومی         | ۶۵ درصد  | فراهم‌سازی فضا برای تجمعات فرهنگی و اجتماعی مشترک |
| فضاهای تفریحی (پارک‌ها) | ۵۰ درصد  | ایجاد محیطی غیررسمی برای تعاملات دوستانه          |

(یافته‌های پژوهش)

### ۲. نقش فضاهای مذهبی و فرهنگی

فضاهای مذهبی و فرهنگی در محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم نه تنها به‌عنوان مکان‌هایی برای انجام مناسک دینی عمل می‌کنند، بلکه نقاط تمرکز اجتماعی هستند که ارتباطات میان اقوام و ادیان مختلف را تقویت می‌کنند.

- هم‌جواری مراکز مذهبی: نزدیکی مساجد، کلیساها و مراکز فرهنگی به یکدیگر، زمینه‌ساز تعاملات بین‌دینی شده است. ۶۸ درصد از پاسخ‌دهندگان تأکید کردند که این هم‌جواری فیزیکی، امکان ملاقات و گفت‌وگو بین افراد از ادیان مختلف را افزایش داده است. برای مثال، مسجد جامع ارومیه و کلیسای ننه مریم در نزدیکی یکدیگر قرار دارند و این امر سبب افزایش تعاملات میان مسلمانان و مسیحیان شده است.
- رویدادهای مشترک مذهبی و فرهنگی: برگزاری مراسم‌های مشترک مذهبی و فرهنگی، مانند جشن نوروز، کریسمس و عاشورا، فرصت‌هایی برای آشنایی و همبستگی بیشتر فراهم کرده است. ۵۵ درصد از ساکنان اذعان داشتند که حضور در این رویدادها به آن‌ها کمک کرده تا درک بهتری از فرهنگ و باورهای دیگران پیدا کنند و حس همبستگی بیشتری با همسایگان خود داشته باشند.

## جدول ۵. تأثیر فضاهای مذهبی و فرهنگی بر تعاملات بین‌دینی

| نوع فضای مذهبی/فرهنگی | درصد ساکنانی که تعاملات بین‌دینی را تجربه کرده‌اند | نقش در تعاملات اجتماعی                                 |
|-----------------------|--|--|
| مساجد                 | ۷۲ درصد  | ایجاد بستر برای تعاملات مذهبی و گفتگوهای فرهنگی        |
| کلیساها               | ۶۸ درصد  | تقویت همزیستی دینی و افزایش احترام متقابل              |
| مراکز فرهنگی          | ۶۰ درصد  | تسهیل تعاملات فکری و هنری بین اقوام و ادیان مختلف      |
| رویدادهای مشترک مذهبی | ۵۵ درصد  | افزایش آگاهی از فرهنگ‌های دیگر و تقویت همبستگی اجتماعی |

(یافته‌های پژوهش)

## ۳. حس تعلق و اعتماد اجتماعی

یکی از نتایج مهم این پژوهش، نقش فضاهای نیمه‌عمومی (مانند کوچه‌ها، حیاط‌های مشترک و گذرگاه‌های باریک) در افزایش حس تعلق و اعتماد اجتماعی است. طراحی این فضاها به گونه‌ای است که تعاملات روزمره میان همسایگان را تسهیل می‌کند و احساس امنیت و پیوند اجتماعی را افزایش می‌دهد.

- نقش فضاهای نیمه‌عمومی در افزایش حس تعلق: ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان بیان کردند که طراحی فضاها به گونه‌ای است که ارتباط مستقیم با همسایگان را تسهیل می‌کند. این امر به ویژه در محله مهدی‌القدم مشهود است، جایی که حیاط‌های مشترک و کوچه‌های باریک به افراد این امکان را می‌دهند که به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.
- اعتماد اجتماعی و امنیت: ساکنان این محلات اعتماد بیشتری به یکدیگر دارند، چرا که تعاملات روزمره در فضاهای نیمه‌عمومی باعث ایجاد آشنایی و اعتماد می‌شود. این موضوع به کاهش بروز تعارضات قومی و دینی نیز کمک کرده است.

## جدول ۶- تأثیر فضاهای نیمه‌عمومی بر حس تعلق و اعتماد اجتماعی

| نوع فضای نیمه‌عمومی | درصد ساکنانی که حس تعلق قوی دارند | نقش در تقویت اعتماد اجتماعی                |
|---------------------|-----------------------------------|--|
| کوچه‌های باریک      | ۶۲ درصد                           | افزایش تعاملات روزمره و آشنایی با همسایگان |
| حیاط‌های مشترک      | ۶۸ درصد                           | تسهیل فعالیت‌های جمعی و افزایش حس همبستگی  |
| گذرگاه‌های محلی     | ۵۵ درصد                           | ایجاد فضاهای امن برای کودکان و خانواده‌ها  |

(یافته‌های پژوهش)

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های فضایی و کالبدی محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم به طور مستقیم در تقویت تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی تأثیرگذار هستند. فضاهای عمومی مانند بازارها و میدان‌ها به عنوان بستر اصلی تعاملات بین‌قومی عمل می‌کنند، در حالی که فضاهای مذهبی و فرهنگی زمینه‌ساز گفت‌وگوهای بین‌دینی و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز هستند. علاوه بر این، فضاهای نیمه‌عمومی همچون کوچه‌ها و حیاط‌های مشترک، نقش مهمی در افزایش حس تعلق و اعتماد اجتماعی ایفا می‌کنند. این نتایج نشان می‌دهد که طراحی صحیح فضاهای شهری می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در کاهش تنش‌های قومی و دینی و افزایش انسجام اجتماعی عمل کند.

## تحلیل همبستگی پیرسون

برای بررسی ارتباط بین میزان تعاملات اجتماعی و دسترسی به فضاهای عمومی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰,۶۸، به دست آمد که نشان‌دهنده یک همبستگی مثبت و قوی بین دسترسی به فضاهای عمومی (مانند

بازارها، پارک‌ها و مراکز مذهبی) و میزان تعاملات اجتماعی در محلات مورد مطالعه است. این بدان معناست که هرچه دسترسی به فضاهای عمومی بیشتر باشد، میزان تعاملات اجتماعی میان ساکنان افزایش می‌یابد.

جدول ۷. ضریب همبستگی پیرسون بین تعاملات اجتماعی و دسترسی به فضاهای عمومی

| متغیرها                                  | ضریب همبستگی <sup>®</sup> | سطح معناداری (p-value) | تفسیر                        |
|--|---------------------------|------------------------|------------------------------|
| تعاملات اجتماعی و دسترسی به فضاهای عمومی | ۰,۶۸                      | ۰,۰۰۱                  | همبستگی مثبت و قوی (معنادار) |

(یافته‌های پژوهش)

مقدار  $p = 0.001$  نشان می‌دهد که این رابطه از لحاظ آماری معنادار است ( $p < 0.05$ )، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فضاهای عمومی تأثیر بسزایی در افزایش تعاملات اجتماعی دارند.

### آزمون تحلیل واریانس (ANOVA)

برای مقایسه میزان تعاملات اجتماعی در سه محله دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه شد. آزمون ANOVA نشان داد که تفاوت معناداری در میزان تعاملات اجتماعی بین این سه محله وجود دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون ANOVA برای مقایسه تعاملات اجتماعی در محلات مختلف

| منبع واریانس | مجموع مربعات (SS) | درجه آزادی (df) | میانگین مربعات (MS) | مقدار F | سطح معناداری (p-value) |
|--------------|-------------------|-----------------|---------------------|---------|------------------------|
| بین گروه‌ها  | ۲۴,۷۵             | ۲               | ۱۲,۳۷۵              | ۵,۸۲    | ۰,۰۰۳                  |
| درون گروه‌ها | ۶۳,۱۵             | ۹۲              | ۰,۶۸۶               |         |                        |
| کل           | ۸۷,۹۰             |                 |                     |         |                        |

(یافته‌های پژوهش)

مقدار  $p = 0.003$  نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین میزان تعاملات اجتماعی در سه محله است ( $p < 0.05$ ). همچنین مقدار F عدد ۵,۸۲ را نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها از نظر آماری معتبر هستند. بیشترین میزان تعاملات اجتماعی در محله اقبال مشاهده شد. این امر می‌تواند به دلیل ترکیب متنوع‌تر اقوام و ادیان و همچنین دسترسی بهتر به فضاهای عمومی در این محله باشد.

جدول ۹. میانگین تعاملات اجتماعی در محلات مورد مطالعه

| محل        | میانگین تعاملات اجتماعی (از ۵) | انحراف معیار |
|------------|--------------------------------|--------------|
| دلگشا      | ۳,۴                            | ۰,۶۵         |
| اقبال      | ۴,۱                            | ۰,۵۸         |
| مهدی‌القدم | ۳,۷                            | ۰,۶۰         |

(یافته‌های پژوهش)

### توزیع فراوانی نظرات ساکنان در مورد طراحی فضایی و تعاملات اجتماعی

نظرات ساکنان در خصوص تأثیر طراحی فضایی بر تعاملات اجتماعی از طریق نمودار توزیع فراوانی تحلیل شد. ۸۵ درصد از ساکنان معتقد بودند که طراحی فضایی موجود (مانند وجود بازارها، مراکز مذهبی، کوچه‌های باریک و حیاط‌های مشترک) به تقویت روابط

اجتماعی کمک می‌کند. در مقابل، ۱۵ درصد از ساکنان اظهار داشتند که عواملی مانند ترافیک سنگین، کاهش فضای سبز و آلودگی صوتی مانع از تعاملات اجتماعی بیشتر می‌شود.

جدول ۱۰. توزیع نظرات ساکنان در مورد تأثیر طراحی فضایی بر تعاملات اجتماعی

| نظر ساکنان                                  | درصد پاسخ‌دهندگان | توضیحات   |
|---|-------------------|---|
| طراحی فضایی تعاملات اجتماعی را تقویت می‌کند | ۸۵ درصد           | تأکید بر نقش بازارها، فضاهای مذهبی و عمومی در ایجاد تعاملات اجتماعی |
| موانعی برای تعاملات اجتماعی وجود دارد       | ۱۵ درصد           | شامل ترافیک، کاهش فضای سبز و افزایش آلودگی صوتی                     |

(یافته‌های پژوهش)

نتایج آماری این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که ویژگی‌های فضایی و کالبدی محلات مورد مطالعه تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی دارند. ضریب همبستگی پیرسون نشان‌دهنده رابطه قوی بین دسترسی به فضاهای عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی است. علاوه بر این، آزمون ANOVA تفاوت‌های معناداری را بین محلات مختلف از نظر میزان تعاملات اجتماعی نشان داد که این تفاوت‌ها به ویژگی‌های فضایی و ترکیب قومی - دینی مرتبط است. در نهایت، توزیع فراوانی نظرات ساکنان تأیید می‌کند که اکثریت افراد معتقدند طراحی فضایی فعلی به تقویت روابط اجتماعی کمک می‌کند، در حالی که برخی موانع مانند ترافیک و کاهش فضای سبز به عنوان چالش‌های اصلی در این زمینه شناسایی شدند.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فضاهای شهری نه تنها بستر فیزیکی زندگی انسان‌ها را فراهم می‌کنند، بلکه نقشی حیاتی در شکل‌گیری، توسعه و تقویت تعاملات اجتماعی دارند. در بستر شهرها، خصوصاً در مناطق با بافت‌های قدیمی و تاریخی، طراحی فضایی و نحوه توزیع کاربری‌ها به طور مستقیم بر کیفیت زندگی اجتماعی، همبستگی قومی و دینی و حس تعلق ساکنان تأثیر می‌گذارد. شهر ارومیه، به عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای شمال غرب ایران، با ترکیبی از اقوام و ادیان مختلف، نمونه‌ای بارز از تأثیرات فضایی بر تعاملات اجتماعی است. محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم، به دلیل مجاورت با خیابان امام خمینی و قرارگیری در بافت تاریخی شهر، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که بررسی آن‌ها می‌تواند به درک بهتر از نقش فضاهای شهری در شکل‌دهی به روابط اجتماعی کمک کند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ویژگی‌های فضایی و کالبدی این محلات بر تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی انجام شد. استفاده از روش‌های آماری و تحلیل داده‌های میدانی، امکان دستیابی به نتایج دقیق و علمی را فراهم کرد که می‌تواند به عنوان راهنمایی برای بهبود مدیریت شهری و توسعه پایدار اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های فضایی محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم نقش مهمی در تقویت تعاملات اجتماعی ساکنان دارند. ساختار معابر و فضاهای عمومی مانند بازارها، میدان‌ها و مراکز مذهبی که در نزدیکی یکدیگر قرار دارند، فرصت‌های مناسبی برای تعاملات روزمره میان اقوام و ادیان مختلف فراهم می‌کنند. بیش از ۷۰ درصد از شرکت‌کنندگان در این پژوهش اظهار داشتند که فضاهای عمومی مشترک مانند بازارها و میدان‌ها به طور مستقیم به افزایش تعاملات بین قومی و دینی کمک کرده‌اند. همچنین ترکیب کاربری‌های مسکونی، تجاری و مذهبی به شکلی متوازن در این محلات، بستری برای شکل‌گیری روابط اجتماعی متنوع فراهم کرده است. ۵۷ درصد از ساکنان بیان کردند که نزدیکی محل زندگی به مراکز مذهبی و بازارها فرصت‌های بیشتری برای تعاملات اجتماعی ایجاد می‌کند. یکی از یافته‌های مهم این پژوهش، نقش فضاهای مذهبی و فرهنگی در تسهیل تعاملات بین دینی بود. وجود مساجد، کلیساها و مراکز فرهنگی در نزدیکی یکدیگر به عنوان نقاط تمرکز اجتماعی عمل می‌کند و ۶۸ درصد از پاسخ‌دهندگان تأکید کردند که این نزدیکی فیزیکی به تعاملات بین دینی کمک می‌کند. علاوه بر این، ۵۵ درصد از ساکنان اذعان داشتند که حضور در رویدادهای مذهبی و فرهنگی مشترک، حس همبستگی و اتحاد اجتماعی را تقویت می‌کند. این امر نشان می‌دهد

که فضاهای مذهبی و فرهنگی نه تنها به عنوان مکان‌های عبادت یا فعالیت‌های فرهنگی عمل می‌کنند، بلکه نقش مهمی در ایجاد پیوندهای اجتماعی و کاهش تنش‌های قومی و دینی دارند.

حس تعلق و اعتماد اجتماعی نیز از دیگر جنبه‌های مهم تعاملات اجتماعی در این محلات بود. طراحی فضاهای نیمه‌عمومی مانند کوچه‌های باریک و حیاط‌های مشترک نقش مهمی در افزایش حس تعلق و اعتماد اجتماعی ایفا می‌کند. ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان بیان کردند که طراحی فضاها به گونه‌ای است که احساس امنیت و اعتماد به همسایگان را تقویت می‌کند. این موضوع به ویژه در میان ساکنان محله مهدی‌القدم بارزتر بود، جایی که ساختار فضایی محله به افزایش ارتباطات همسایگی و تقویت روابط اجتماعی کمک کرده است. برای بررسی دقیق‌تر تأثیر ویژگی‌های فضایی بر تعاملات اجتماعی، از تحلیل‌های آماری مختلفی استفاده شد. ضریب همبستگی پیرسون بین میزان تعاملات اجتماعی و دسترسی به فضاهای عمومی برابر با ۰٫۶۸ بود که نشان‌دهنده همبستگی مثبت و قوی است. این نتیجه تأکید می‌کند که هر چه دسترسی ساکنان به فضاهای عمومی بیشتر باشد، میزان تعاملات اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) نشان داد که تفاوت معناداری در میزان تعاملات اجتماعی بین محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم وجود دارد. بیشترین میزان تعاملات اجتماعی در محله اقبال مشاهده شد که می‌تواند ناشی از ترکیب متنوع‌تر اقوام و ادیان و همچنین دسترسی بهتر به فضاهای عمومی در این محله باشد. نمودار توزیع فراوانی نیز نشان داد که ۸۵ درصد از ساکنان معتقدند طراحی فضایی موجود به تقویت روابط اجتماعی کمک می‌کند، در حالی که ۱۵ درصد از ساکنان اظهار داشتند که عواملی مانند ترافیک سنگین و کاهش فضای سبز مانع تعاملات اجتماعی می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های فضایی و کالبدی محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم در شهر ارومیه نقش مهمی در تقویت تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی ایفا می‌کنند، که این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های مشابه در ارومیه هم‌خوانی دارد. برای مثال، در مطالعه‌ای توسط رحیمی و همکاران (۱۴۰۰) درباره تأثیر فضاهای عمومی بر همبستگی اجتماعی در محلات مرکزی ارومیه، نیز تأکید شده بود که نزدیکی مراکز مذهبی و فرهنگی و وجود بازارهای سنتی، تعاملات بین اقوام مختلف را افزایش داده و موجب کاهش تنش‌های قومی شده است. همچنین پژوهش دیگری که توسط کریمی و موسوی (۱۳۹۸) انجام شد، نشان داد که فضاهای نیمه‌عمومی مانند حیاط‌های مشترک و کوچه‌های باریک در محلات قدیمی ارومیه به ایجاد حس تعلق و اعتماد اجتماعی کمک می‌کنند، که این موضوع در یافته‌های پژوهش حاضر نیز مشاهده شد. با این حال، در برخی مطالعات، مانند پژوهش شجاعی (۱۳۹۷)، به مشکلاتی مانند کاهش فضای سبز و تراکم ترافیکی به عنوان موانعی برای تعاملات اجتماعی اشاره شده بود، که این موضوع در تحقیق حاضر نیز توسط ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان تأیید شد. به طور کلی، نتایج این پژوهش تأیید می‌کند که طراحی و ساختار فضایی مناسب می‌تواند به شکل‌گیری و تقویت روابط اجتماعی در شهرهای چندقومیتی مانند ارومیه کمک کند.

در نهایت، این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های فضایی و کالبدی محلات شهری می‌توانند تأثیرات مستقیمی بر تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی داشته باشند. محلات دلگشا، اقبال و مهدی‌القدم در شهر ارومیه نمونه‌های بارزی از این تأثیرات هستند، جایی که ساختار فضایی مناسب، تنوع کاربری‌ها و نزدیکی مراکز مذهبی و فرهنگی به تقویت روابط اجتماعی ساکنان کمک کرده است. این نتایج می‌تواند به عنوان راهنمایی برای مدیران شهری و برنامه‌ریزان جهت ایجاد فضاهای شهری کارآمدتر و ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی در سایر مناطق شهری مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به یافته‌های این پژوهش که نشان‌دهنده نقش اساسی الگوهای فضایی در تقویت تعاملات اجتماعی و همبستگی قومی و دینی در محلات مرکزی ارومیه است، ارائه راهکارها و پیشنهادهای کاربردی می‌تواند به بهبود شرایط فعلی و ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف کمک کند. این پیشنهادهای اساسی اصول طراحی شهری، نظریه فضاهای زندگی کریستوفر الکساندر و همچنین نیازهای بومی و فرهنگی ساکنان این مناطق ارائه می‌شود.

## جدول ۱۱. راهکار های پیشنهادی

|   |  |
|---|--|
| توسعه و بهبود فضاهای عمومی<br>چندمنظوره             | یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت تعاملات اجتماعی، فضاهای عمومی کارآمد است. پیشنهاد می‌شود که شهرداری ارومیه با ایجاد و بازطراحی میداين، پارک‌ها و بازارهای سنتی به گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای اقوام مختلف باشد، فرصت‌های بیشتری برای تعاملات اجتماعی فراهم کند. توجه به طراحی فضاهایی با قابلیت انعطاف‌پذیری بالا که بتواند میزبان رویدادهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی مختلف باشد، می‌تواند به همبستگی بیشتر کمک کند. |
| حفظ و ارتقای فضاهای نیمه عمومی                      | کوچه‌های باریک، حیاط‌های مشترک و گذرگاه‌های سنتی که در پژوهش به عنوان بسترهای تقویت همجواری و اعتماد اجتماعی شناسایی شدند، باید حفظ و بهینه‌سازی شوند. پیشنهاد می‌شود این فضاها با حفظ هویت تاریخی و فرهنگی، از نظر زیرساختی بهبود یابند تا امنیت، زیبایی و کارایی آن‌ها افزایش یابد.  |
| ایجاد فضاهای فرهنگی و مذهبی<br>مشترک                | با توجه به نقش کلیدی مراکز مذهبی و فرهنگی در تعاملات بین دینی، می‌توان فضاهایی طراحی کرد که به صورت مشترک توسط اقوام و ادیان مختلف استفاده شوند. این فضاها می‌توانند شامل مراکز فرهنگی چندمنظوره، نمایشگاه‌های فرهنگی مشترک و فضاهایی برای گفتگو و تبادل فرهنگی باشند.   |
| برنامه‌ریزی برای مدیریت ترافیک و<br>افزایش فضای سبز | یافته‌های پژوهش نشان داد که ترافیک سنگین و کمبود فضای سبز از موانع تعاملات اجتماعی در این مناطق هستند. بنابراین، بهبود مدیریت ترافیک، ایجاد مسیرهای پیاده‌روی ایمن و توسعه فضای سبز در مناطق مرکزی شهر می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی و افزایش تعاملات اجتماعی کمک کند.  |
| مشارکت فعال ساکنان در فرآیندهای<br>برنامه‌ریزی شهری | جلب مشارکت مستقیم ساکنان محلات در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری می‌تواند به ایجاد حس مالکیت و تعلق بیشتر منجر شود. تشکیل شوراهای محلی متشکل از نمایندگان اقوام و ادیان مختلف برای نظارت بر توسعه و بهبود فضاهای شهری، یک گام مؤثر در این راستا خواهد بود.   |
| حفظ و احیای عناصر معماری سنتی                       | عناصر معماری سنتی که در ایجاد حس هویت و تعلق نقش دارند، باید حفظ و در بازسازی‌های شهری مورد توجه قرار گیرند. استفاده از مصالح بومی و طراحی‌های الهام‌گرفته از معماری سنتی ارومیه می‌تواند به حفظ هویت فرهنگی و تاریخی این مناطق کمک کند.   |
| توسعه رویدادهای اجتماعی و فرهنگی<br>مشترک           | برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و رویدادهای مشترک فرهنگی و مذهبی با مشارکت فعال اقوام و ادیان مختلف می‌تواند به افزایش تعاملات و کاهش تعصبات قومی و مذهبی کمک کند. این رویدادها باید به گونه‌ای طراحی شوند که نمایانگر تنوع فرهنگی شهر باشند.  |
| ایجاد زیرساخت‌های آموزشی و<br>آگاهی‌بخشی            | آموزش و آگاهی‌بخشی به ساکنان درباره اهمیت همزیستی مسالمت‌آمیز و نقش فضاهای عمومی در تقویت همبستگی اجتماعی از طریق برنامه‌های آموزشی، کارگاه‌ها و نشست‌های فرهنگی می‌تواند در درازمدت تأثیرات مثبتی بر تعاملات اجتماعی داشته باشد.  |

این پیشنهادها می‌توانند به عنوان راهکارهای عملی برای بهبود روابط اجتماعی و تقویت همبستگی قومی و دینی در محلات مرکزی ارومیه مورد استفاده قرار گیرند و الگویی برای سایر شهرهای چندقومیتی ارائه دهند.

## منابع و مأخذ

- آیثم معصومه (۱۳۹۵). طراحی مسیر اقوام و ادیان در بافت کهن شهر ارومیه با رویکرد گردشگری فرهنگی بر اساس طراحی ارزش‌مدار، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد طراحی شهری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- بهبادفر مصطفی (۱۳۹۲). هویت شهر، نگاهی به هویت شهری، تهران. تهران مؤسسه نشر شهر.
- پیش‌نماز اهری، رامین، و پناهی، علی. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی نظام بازآفرینی بافت‌های تاریخی از منظر رویکردهای یکپارچه و پایدار (مورد مطالعه: کلان‌شهر تبریز). جغرافیا و روابط انسانی، ۳۶(۳)، ۲۱-۱. [https://www.gahr.ir/article\\_185976.html](https://www.gahr.ir/article_185976.html).
- حداد عادل، ف.، علی‌الحسابی، م.، و مرادی، ا. (۱۴۰۲). «مبانی اندیشه اسلامی مکان‌سازی مشارکت‌مبنا در بازآفرینی بافت تاریخی؛ نمونه مطالعاتی: محله عودلاجان». پژوهش‌های معماری اسلامی، ۴۰، ۶۳-۸۵.
- رحیمی، ح.، احمدی، س.، و حسینی، م. (۱۴۰۰). تأثیر فضاهای عمومی بر همبستگی اجتماعی در محلات مرکزی ارومیه. مجله مطالعات شهری و منطقه‌ای، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۲.

رخشان، احسان، ذبیحی، حسین، و ماجدی، حمید. (۱۳۹۷). بازخوانی مؤلفه‌های هویت بخش نما در منظر شهرهای معاصر. مدیریت شهری، ۱۷(۵۱)، ۷۵-۸۶. <https://sid.ir/paper/92034/fa>

سلطان‌زاده حسین (۱۳۷۲). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی تهران.

شجاعی، ن. (۱۳۹۷). بررسی موانع تعاملات اجتماعی در مناطق مرکزی ارومیه: مطالعه موردی کاهش فضای سبز و تراکم ترافیکی. پژوهشنامه برنامه‌ریزی شهری، ۷(۱)، ۱۰۱-۱۱۸.

شیخ احمدی، م. (۱۳۹۸). «تدوین چارچوب بازآفرینی بافت‌های تاریخی با رویکرد فرهنگ‌مبنا». فصلنامه علمی-پژوهشی مرمت و معماری ایران، ۹(۱۷)، ۸۵-۱۰۲.

طالعی، محبوب و رضی، مهرویه (۱۳۹۱). ارومیه در پرتو تاریخ، ادب و فرهنگ ایران زمین مجموعه مقالات همایش هم اندیشی شهر ایرانی، شهر تاریخی و فرهنگی ارومیه ص ۴۸۱.

عباس‌زاده، مظفر (۱۳۸۴). طرح مرمت و ساماندهی مجموعه بازار ارومیه خیابان امام خمینی محدوده بازار، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی دانشکده معماری، دانشگاه تهران.

قبادیان وحید (۱۳۹۴). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، تهران: علم معمار رویال، چاپ سوم.

[https://jgk.imamreza.ac.ir/article\\_182572.html](https://jgk.imamreza.ac.ir/article_182572.html)

قدیری ابیانه، م.، فدایی مهربانی، و.، و نگارستان، ف. (۱۴۰۳). «نقش مستندسازی فرهنگی به کمک عکاسی خیابانی بر پایه خوانش تجربیات گردشگران». پژوهش‌های معماری نوین، ۱۲، ۷-۱۹.

کریمی، ف.، و موسوی، ع. (۱۳۹۸). نقش فضاهای نیمه‌عمومی در تقویت حس تعلق و اعتماد اجتماعی در محلات قدیمی ارومیه. فصلنامه معماری و شهرسازی اسلامی، ۹(۲)، ۷۸-۹۵.

- Abdolhosseini, A., Gharipour, M., & Memarian, G. (2021). "Vernacular Architecture and Sustainability: The Case of Iranian Traditional Houses." *Sustainability*, 13(5), 2756.
- Alexander, C. (1979). *The Timeless Way of Building*. New York: Oxford University Press.
- Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (1977). *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction*. New York: Oxford University Press.
- Day, K., & Cohen, D. A. (2022). "Public Spaces for Social Interaction in Diverse Communities." *Urban Studies*, 59(4), 789-807.
- Farahani, L. M., Maller, C., & Pojani, D. (2023). "Revitalizing Public Spaces in Historic Urban Areas: A Case Study of Urmia, Iran." *Journal of Urban Regeneration and Renewal*, 16(2), 123-140. Link
- Gehl, J. (2010). *Cities for People*. Washington, D.C.: Island Press.
- Habibi, S. M., & Maghsoudi, M. (2003). *Urban renovation and redevelopment*. University of Tehran Press.
- Harvey, D. (2019). *Spaces of Global Capitalism: A Theory of Uneven Geographical Development*. London: Verso.
- Karimi, K. (2009). Continuity and change in old cities: An analytical investigation of the spatial structure in Iranian and English historic cities. *Urban Design International*, 14(3), 99-117.
- Kim, J., & Kaplan, R. (2004). "Physical and psychological factors in sense of community: New urbanist Kentlands and nearby Orchard Village." *Environment and Behavior*, 36(3), 313-340.
- Marcus, C. C., & Francis, C. (2019). *People Places: Design Guidelines for Urban Open Space*. New York: John Wiley & Sons.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Sequeira, S., & Bello, F. (2021). "Place-Making and Identity: Reclaiming Urban Spaces in Multicultural Cities." *Journal of Urban Design*, 26(3), 345-362.

Smith, A., & Jones, B. (2020). «Urban Design and Social Cohesion in Multicultural Cities». *International Journal of Urban Sciences*, 24(2), 159-175.

Soja, E. W. (2000). *Postmetropolis: Critical studies of cities and regions*. Blackwell Publishing.

Tajfel, H. (1981). *Human Groups and Social Categories: Studies in Social Psychology*. Cambridge: Cambridge University Press

Talen, E. (2000). "The Social Goals of New Urbanism." *Housing Policy Debate*, 11(1), 165-188.

Tavassoli, M. (1991). *Principles and methods of urban design in Iran*. University of Tehran Press.

Wood, L., Frank, L. D., & Giles-Corti, B. (2010). "Sense of community and its relationship with walking and neighborhood design." *Social Science & Medicine*, 70(9), 1381-1390.